

فرایند شکل‌گیری طلاق در بین زنان مطلقه شهر ایلام

زهرا رضایی نسب *

کداریکد: 0000-0002-8766-7523

چکیده

هدف این پژوهش مطالعه تجارب زیسته زنان مطلقه شهر ایلام در مورد طلاق است. به این منظور از روش کیفی و رویکرد نظریه زمینه‌ای استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق عبارتند از ۱۸ تن از زنان مطلقه در شهر ایلام، خانواده‌های آنان که با تکنیک مصاحبه عمیق و نیمه استاندارد با آنها گفتگو شد. تحلیل مصاحبه‌ها، به شکل‌گیری مدل پارادایمی با مقولاتی مانند «باور زنان نسبت به مسئله طلاق»، «شرایط علی با مقوله «شرایط تنش‌زا»، و «شرایط میانجی با مقوله‌هایی مانند نبود مهارت‌های ارتباطی بین فردی، ناهمسان همسری، فشار هنجاری، زیست‌دوگانه»، «شرایط زمینه‌ای با مقوله‌هایی؛ مانند «بستر اقتصادی»، «بستر فرهنگی»، «کژکارکردی خانواده‌ها»، و راهبردهایی مانند «اعتراض به وضعیت»، «راهبردهای اجباری نزدیکی به شکست»، «مدیریت وضعیت» و پیامدهایی در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی منتهی شد. با در نظر گرفتن رابطه بین مجموعه مقولات، مفهوم دوسوگرایی جامعه شناختی» که در آن شاهد تناقضات میان هنجار اصلی (هنجارهای برگرفته از سنت‌ها و عصبیت‌ها) و ضدهنجار فرعی (ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی مدرن) هستیم، استخراج شد.

کلیدواژه‌ها: طلاق، نظریه زمینه‌ای، فشار هنجاری، دوسوگرایی جامعه شناختی، زنان.

* استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، (نویسنده مسئول)
z.rezaeinasab@ilam.ac.ir

** این مقاله از طرح پژوهشی مشترک با دانشگاه ایلام و سازمان بهزیستی استان ایلام استخراج شده است.

مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۲

مسائل اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۹۹-۳۲۲

۱. مقدمه و بیان مسئله

بررسی آمار طی سال‌های اخیر، نشان می‌دهد؛ در فرانسه با جمعیت تقریبی ۶۶ میلیون نفر، در سال (۲۰۱۲) میلادی، حدود ۱۳۳ هزار طلاق انجام شده است. در آلمان ۸۲ میلیونی، ۱۹۰ هزار طلاق و در انگلیس ۶۰ میلیونی هم ۱۴۴ هزار طلاق ثبت شده است. در ایران ۷۷ میلیونی در سال (۱۳۹۱) حدود ۱۵۰ هزار طلاق به وقوع پیوسته است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۲). آمار و ارقام نشان دهنده این است که در جامعه ما نیز، شمار جدایی روابط زن و شوهر رو به افزایش است به طوری که ایران به عنوان چهارمین کشور پرطلاق دنیا محسوب می‌شود (نیکبخت نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵).

براساس آمار سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۸۵، ۹۴,۰۳۹ واقعه طلاق ثبت شده است. این آمار در سال ۱۳۹۰، افزایش قابل توجهی داشته است و به ۱۴۲,۸۴۱ واقعه می‌رسد. در سال ۱۳۹۲ همچنان این افزایش سیر صعودی داشته و تعداد طلاق به ۱۵۵,۳۶۹ واقعه می‌رسد. براساس آمار ثبت احوال کشور، تعداد طلاق در سال ۱۳۹۳، در کل کشور ۱۶۳,۵۶۹ مورد بوده است. به عبارتی بر طبق گزارشات و تحقیقات، در سال ۹۲ به ازای هر پنج مورد ازدواج، یک مورد طلاق، به ثبت رسیده و در سال ۹۳ به ازای هر ۴/۴ مورد ازدواج، در کشور یک مورد طلاق، به ثبت رسیده است (زارعان و سدیدیپور، ۱۳۹۶؛ نوایی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). بالاترین رقم در تهران با ۳۲,۹۷۶ بوده است که از هر ۲/۸ ازدواج، یک ازدواج به طلاق ختم می‌شود. توزیع سنی زوجین در زمان طلاق نیز، قابل بررسی است. طبق گزارش‌های آماری، بیشترین توزیع سنی زوجین در زمان طلاق در سال ۱۳۹۳، مربوط به سنین ۲۰-۲۴ سال در زوجه و ۲۵-۲۹ سال در زوج می‌باشد. توجه به طول مدت زندگی نیز نشان می‌دهد که آمار بالای طلاق مربوط به چند سال اول زندگی است و هرچه از سال‌های اولیه ازدواج بگذرد، آمار طلاق پایین‌تر می‌آید. به طوری که در سال ۱۳۹۳ بیشترین آمار طلاق یعنی ۲۲,۸۶۰ مورد مربوط به ازدواج‌هایی با طول مدت کمتر از یک سال است. این رقم در ازدواج‌هایی با طول مدت ۵-۶ سال به ۹۰۲۸ مورد تقلیل می‌یابد. همچنین نرخ آمار طلاق در نقاط شهری و روستایی روندی

متفاوت دارد. به طوری که نرخ طلاق در نقاط شهری رقم بالاتری را نسبت به نقاط روستایی نشان می‌دهد (سازمان ثبت احوال کشور^۱، ۱۳۹۳).

طی سال‌های اخیر با گسترش آسیب‌های اجتماعی، طلاق در بسیاری از استان‌های کشور رشد چشمگیری داشته است. یکی از این استان‌ها، استان ایلام است. تحقیقات نشان می‌دهد در استان ایلام، میزان دوام زندگی مشترک در چند سال اخیر، کمتر از متوسط کشوری است. در سال ۱۳۹۱ به طور متوسط، طول مدت زندگی مشترک در کشور ۷/۶ سال بوده که استان ایلام با میانگین ۵/۳ کمترین طول مدت دوام زندگی تا واقعه طلاق را در بین استان‌های کشور دارا بوده است (سپیدنامه و قیصریان، ۱۳۹۳). همچنین طبق اظهار نظر مدیرکل ثبت احوال در استان ایلام، در سال ۱۳۹۶، ۶۵۰ طلاق در دفاتر رسمی به ثبت رسیده است که ۳ درصد، نسبت به زمان مشابه سال قبل، افزایش نشان می‌دهد. آمارها کاهش ۱۲ درصدی ازدواج نسبت به سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد همچنین، استان ایلام بیشترین رشد طلاق را در سال‌های اخیر نسبت به دیگر استان‌ها دارد (سایت مهر نیوز^۲، ۱۳۹۶).

براساس نتایج تحقیق رضایی نسب (۱۳۹۷)، از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در استان ایلام، ۳۶۲۴ واقعه طلاق ثبت شده است. به تفکیک در سال ۱۳۹۲، ۶۱۹ واقعه، در سال ۱۳۹۳، ۵۸۳ واقعه، در سال ۱۳۹۴، ۷۴۲ واقعه، در سال ۱۳۹۵، ۸۲۴ واقعه و بالاخره در سال ۱۳۹۶، ۸۵۶ واقعه طلاق به ثبت رسیده است. داده‌ها از افزایش تعداد طلاق در استان ایلام در طی سال‌های یادشده حکایت دارد. به عبارتی از ۱۷/۱ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۲۳/۷ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. این درحالی است که در گذشته طلاق برای بسیاری از خانواده‌ها به ویژه، زنان یک ننگ اجتماعی محسوب می‌شد و تحت هر شرایطی زنان مجبور بودند به زندگی زناشویی خود ادامه دهند. اما به نظر می‌رسد امروز زنان حاضر به تحمل شرایط ناخوشایند زندگی زناشویی نیستند و همین امر باعث شده علیرغم پیامدهای روانی، اجتماعی، فرهنگی طلاق متقاضی آن باشند. از این رو این مطالعه با هدف تبیین دیدگاه زنان مطلقه درباره عوامل مؤثر بر طلاق در شهر ایلام انجام شده است.

^۱ . www.Sabteahval.ir

^۲ . www.Mehrnews.com

گزارش‌های مختلف همچنین نشان دهنده آن است که افزایش میزان طلاق، باعث افزایش شمار زنان سرپرست خانوار شده و با توجه به نتایج این تحقیقات، زنان (و به‌ویژه زنان سرپرست خانوار) در زمره آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه قرار می‌گیرند که خود این امر موجب بروز مسائل و آسیب‌هایی در سطح کلان جامعه می‌شود (صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۲: ۲۷).

به دلیل کمبود گزارش‌های تحقیقاتی در مورد علل و شرایط طلاق در شهر ایلام، ضرورت پژوهشی با تأکید بر دریافت فرضیه از واقعیت و اکتشاف و دریافت عمیق‌تر مسئله نمایان می‌گردد. مهمترین منبعی که می‌تواند به شناخت این پدیده، کمک کند خود افراد و به‌خصوص زنانی است که درگیر این موضوع بوده‌اند. در نتیجه بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در زنان شهر ایلام (که طبق آمارها در چند سال اخیر رشد قابل توجهی داشته است، اهمیت زیادی دارد. همچنین محقق با جستجو در سایت‌های علمی مختلف، به تحقیقی که در شهر ایلام و درک پدیده طلاق در این شهر و از دید زنان مطلقه باشد، برخورد نکرد. طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی به لحاظ تأثیرات گسترده در روند رشد جمعیت و نیز دگرگونی در ساختار خانواده و مناسبات اجتماعی وسیع‌تر از اهمیت بسزایی برخوردار است. باید این ایده را قبول کرد که هرچه پژوهش‌های علمی بیشتری در این زمینه انجام گیرد؛ نتایج آن می‌تواند برای برنامه‌ریزی متولیان، مؤثر و مفید واقع شوند. به‌نظر می‌رسد بررسی عمیق این مسئله می‌تواند به کمتر شدن نرخ طلاق در شهر ایلام کمک کند.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر طلاق را یک کنش اجتماعی معنادار از سوی سوژه‌ای عامل و پدیده‌ای چندبعدی در نظر دارد که نمی‌توان آن را با نگاهی بیرونی مورد مطالعه و ارزیابی قرار داد و اینکه زنان مطلقه شهر ایلام اساساً علل، بسترها، پیامدها و زندگی بعد از طلاق یا به عبارتی دیگر، جهان اجتماعی خود را چطور می‌بینند و ارزیابی آنها از این قضیه چیست. بنابراین، درک معنایی و ذهنی زنان درگیر از منظر خود آنها امتیاز اصلی این تحقیق است. بدین ترتیب، هدف کلی این تحقیق مطالعه‌ای کیفی از علل، پیامدها، سازگاری با تجربه طلاق و همچنین درک معنای طلاق در بین زنان مطلقه شهر ایلام می‌باشد.

۲. مبانی نظری

به منظور تبیین مسئله طلاق در فضای کنونی جامعه ایران و به طور خاص جامعه ایلام از چارچوب مفهومی دورکیم درباره آنومی استفاده شده است.

آنومی یا آشفتگی اجتماعی

آنومی از جمله، مسائلی است که مربوط به دوران مدرن است؛ زیرا فرایند مدرنیزاسیون چه در بعد فنی و چه در بعد فرهنگی، موجب آسیب دیدن ساختار ارزشی پیشین شده است و انسان مدرن را در فضایی مبهم به خود واگذاشته است. تحمیل سبک‌های جدید زندگی به انسان‌ها از جانب رسانه‌ها در قالب تولید مداوم آرزومندی، نیاز دستیابی به سعادت و خوشبختی را برای انسان مدرن مبدل به معنایی کرده است که دستیابی به آن مدام به تعویق می‌افتد.

از دیدگاه جامعه‌شناسان، آنومی^۱ به مفهوم فقدان اجماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوی رفتار برای اعضای جامعه است. این حالت منجر به محو و غیبت تدریجی آتوریت و ضابطه اخلاقی می‌شود و جامعه، کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهد. هنگامی که جامعه در حال گذار و دگرگونی است، بسیاری از انسان‌ها دچار سرگردانی می‌شوند و قواعد و ارزش‌های جامعه، برای آنها بی‌اهمیت و کم ارزش می‌شود. از سوی دیگر، ارزش‌های جدید و منطبق با شرایط نیز، هنوز در جامعه جا نیفتاده است. در واقع جامعه دو ساخت دارد. در نتیجه وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می‌آید که در جریان اقدامات منفی اجتماعی نظیر طلاق، خودکشی و ... ظاهر می‌شود که از نظر آماری قابل سنجش است (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۹-۱۸).

وجدان جمعی یکی از مهمترین ضمانت‌های تحقق اهداف و ارزش‌های جامعه است. شخص یا اشخاص می‌توانند هنجارهای جامعه را تحقیر کنند؛ اما در برابر وجدان جمعی، جز اطاعت راهی ندارند. هر چقدر وجدان جمعی قوی باشد، خشم عمومی در مقابل هنجارشکنی حادثتر است. با ضیف شدن وجدان جمعی، ارزش‌های منفی منتسب به طلاق کاهش می‌یابد و جامعه، افراد مطلقه را به عنوان مطرودین اجتماعی تلقی نمی‌کند و بدین ترتیب، بر میزان طلاق

^۱ . Anomy

افزوده می‌شود. به عبارت دیگر، جامعه‌ای که طلاق را پدیده‌ای عادی و طبیعی می‌داند، موجب رواج آن نیز، خواهد شد؛ برعکس، آنجا که طلاق منفور، زشت و ضدارزش محسوب می‌شود، خواه ناخواه از کمیت آن کاسته می‌شود (محبی، ۱۳۸۹).

تضاد ارزش‌ها از پیامدهای مهم وضعیت آنومی می‌باشد. مطابق نظریه نوسازی، کشورهای پیرامونی در فرآیند نوسازی دچار تغییرات فرهنگی می‌شوند که متأثر از گذار از نظم سنتی است. در فرآیند نوسازی، انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل همبسته اجتماع سنتی به وجود می‌آید. در این شرایط، افراد به صورت اتم‌هایی مجزا به نظر می‌رسند که به دنبال حداکثر سود و منفعت فردی و شخصی خود هستند؛ یعنی منافع شخصی بر مصالح جمعی اولویت می‌یابد و تغییر در ایده‌ها و ارزش‌های افراد در جهت استیلای سکولاریسم، مادی‌گرایی و فردگرایی صورت می‌گیرد. این شرایط، می‌تواند مخل نظم اجتماعی و تضعیف‌کننده وجود ضروری حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه برای هر جامعه باشد. همزمان با این تحولات نوعی گذار و نابسامانی در نهاد خانواده صورت می‌گیرد. در نتیجه، فضای فرهنگی از خانواده محوری، به سوی فردمحوری و ازدواج، از حالت نهاد محور به رابطه محور تغییر می‌کند و خانواده در تغییرات ساختاری و فرهنگی و در گذر جامعه از نظم سنتی به نظم مدرن، دچار تغییرات چشم‌گیری می‌شود، در این مسیر ناهماهنگی و عدم سازگاری فرد و نظام‌های اجتماعی با شرایط در حال تغییر، زمینه‌ساز مسائل اجتماعی متعددی در حیطه نهاد خانواده می‌شود. در همین راستا، افزایش طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی و نتایج مترتب بر آن، قابل تأمل و بررسی است. (مساواتی، ۱۳۷۴: ۲۸۱).

بدین ترتیب، آنومی در آثار دورکیم مفهومی است که موقعیت‌ها، وضعیت‌های نابسامان و نامنظم اجتماعی را بیان می‌کند. این اصطلاح همواره با دو ویژگی همراه است: (۱) تغییرات ناگهانی منتج از یک بحران غیرطبیعی یا جابه‌جایی سریع قدرت و ثروت؛ (۲) وضعیت‌های مزمن و کهنه، ناشی از پس افتادگی و باقی ماندن در قالب‌های فرسوده کهنه. مفهوم آنومی از نظر دورکیم بر این اصل استوار است که ارتباط اجتماعی فقط زمانی کارکرد دارد که امیدها، آرزوها، اشتیاق‌ها و داعیه‌های انسانی به وسیله موانع اجتماعی (سنت‌های نادرست) متوقف نشود. طبق نظر دورکیم، در چنین اوضاعی کارکردهای ویژه در تقسیم کار، به طور کلی تداوم و تقابل مؤثر

بر یکدیگر ندارند. در نتیجه، درک نظام اجتماعی، قوانین مشترک و فهم این قوانین از سوی فرد به مشکل بر می‌خورد.

پیشینه تجربی

مطالعات مختلف و ارزشمندی در ارتباط با طلاق در داخل و خارج انجام گرفته است که

می‌توان خلاصه‌ای از مهمترین آنها را در جدول شماره ۱ طرح کرد.

جدول شماره ۱) خلاصه ادبیات تجربی تحقیق

پژوهشگر	سال	عنوان تحقیق	نتایج
رحیمی	۱۳۸۰	بررسی علل طلاق در استان خراسان	نداشتن تفاهم اخلاقی، عدم تمکین، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، مداخله دیگران، اختلاف سنی و تحصیلی
فاتحی زاده و همکاران	۱۳۸۴	بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد	نقش مؤثر عوامل خانوادگی مانند اعتقادات مذهبی، مداخله بزرگان فامیل، وابستگی زن به شوهر، الگوپذیری دختر از مادر، عدم حمایت خانواده از طلاق، حمایت اقتصادی والدین در کاهش طلاق
بیگوند و بخشی	۱۳۸۴	نگرش جمعیت ۱۸-۶۵ ساله ساکن شهر مشهد به طلاق و عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر آن	رابطه مثبت با نگرش به طلاق: تحصیلات دانشگاهی، تضاد و کشمکش در خانواده، تماس با فرهنگ و جامعه غربی، افزایش انتظارات ازدواج و زناشویی رابطه منفی با نگرش به طلاق: افزایش پایبندی به مذهب و سنت، پیوند با خویشان، منزلت و طبقه اجتماعی

مسائل اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره ۱ نویسنده مسئول: (زهرا رضایی نسب)

مشکی و همکاران ۱۳۹۰	بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه گناباد	۶۰/۷ درصد طلاق در ۵ سال اول زندگی، ۶۳ درصد در مناطق شهری، ۷۶ درصد از زوجین دیپلم یا کمتر از دیپلم، ۴۵ درصد زوجین کمتر از ۲۰ سال.
واعظی ۱۳۹۴	دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل مؤثر بر طلاق (مطالعه موردی زنان مطلقه شهرستان بانه)	درون مایه‌های اصلی (عوامل فردی، بین فردی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی) درون مایه‌های فرعی (ازدواج با انگیزه نامناسب، مسائل روانی و شخصیتی همسر، عدم مهارت های ارتباطی مؤثر، تقابل سنت و تجدد در نظام خانواده، همزیستی فرهنگ بومی در کنار فرهنگ نوین)
نوابی نژاد و همکاران ۱۳۹۶	مطالعه طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی پدیدارشناسانه	ادراک معنایی طلاق (رهایی بخشی طلاق، آخرین چاره بودن طلاق)، ابعاد معنایی طلاق (معنای اجتماعی، معنای شخصی، معنای جنسیتی)
احمد دوست و همکاران ۱۳۹۷	بسترها و پیامدهای طلاق در شهر رشت: یک مطالعه کیفی	بسترهای کلان، تعاملی و خرد پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و شخصی
رضایی و همکاران ۱۳۹۹	بررسی علل طلاق به شیوه تحلیل روایت در شهرستان یزد	اعتیاد، خیانت، مشکلات اقتصادی، اختلالات بالینی، عدم بلوغ فکری و عاطفی
خجسته مهر و همکاران ۱۳۹۹	تبیین فرایند شکل گیری طلاق: یک پژوهش کیفی	شرایط علی (ازدواج نامطلوب، خشونت، پیمان شکنی زناشویی)، شرایط زمینه ای (خانواده ناکارآمد، موقعیت اقتصادی-اجتماعی، مشکلات جنسی) شرایط میانجی (ضعف راهبردهای مقابله ای زوجین، عوامل فرا زوجی)، راهبردها (انعطاف و ابتکار، انزوا و انفعال)، پیامدها (ننگ مهر طلاق، تحلیل رفتگی، رهایی از استرس، سبک زندگی جدید)

فرایند شکل‌گیری طلاق در بین زنان مطلقه شهر ایلام		نویسنده مسئول: (زهرای رضایی نسب)	
مارتین و ۲۰۰۸	رابطه نگرش به طلاق با مدارج تحصیلی	افزایش طلاق در فارغ التحصیلان دانشگاهی	پاراشار
لرر ۲۰۱۴	رابطه بین سن و انحلال ازدواج	اختلاف سنی زیاد به ویژه زمانی که زن بزرگتر باشد اثر معکوس بر ثبات ازدواج خواهد داشت	
لنگستاد ۲۰۱۵	ناهمسان همسری و طلاق	تأثیر ناهمسان همسری سنی بر طلاق به ویژه، زمانی که زن بزرگتر باشد	
آبابه ۲۰۱۵	تجربه زیسته زنان روستایی مطلقه اتیوپی	طرد اجتماعی	
سالوینی و ۲۰۱۵	مطالعه‌ای طولی از علل طلاق	طلاق بالا در زنان با تحصیلات کم	ویننگولی
آپوستولو ^۱ و همکاران ۲۰۱۶	عوامل مؤثر بر طلاق: مطالعه‌ای کیفی	نارضایتی از زندگی، خشونت زوجین، نداشتن فرزند، عدم رضایت از فرزندان	
کلوبکار و سیمونیک ^۲ ۲۰۱۸	بررسی علل طلاق با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون	فقدان سازگاری و حل تعارض در روابط میان فردی، الگوهای رفتاری ناشی از خانواده اصلی، رفتار و عادات پیش از ازدواج، غیبت در زندگی مشترک، وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین، وجود مرزهای میان نسلی میان زوجین	

در جدول ۱، خلاصه‌ای از مهمترین، تحقیقات ارزشمندی که از دهه ۸۰ تاکنون در زمینه طلاق و بر روی جامعل زنان انجام شده، مشاهده می‌شود. اما مقاله پیش‌رو از دو جهت دارای ویژگی نوآورانه است. اول آنکه بیشتر تحقیقات با رویکرد کمی - پوزیتیویستی انجام شده‌اند در حالیکه رویکرد روشی این تحقیق به صورت کیفی است؛ چرا که پژوهش حاضر طلاق را یک کنش اجتماعی معنادار از سوی سوژه‌ای عامل و همچنین پدیده‌ای چندبعدی می‌داند که نمی-

¹ . Apostolou

² . Rijavec Klobučar.

توان آن را با نگاهی بیرونی مورد مطالعه و ارزیابی قرار داد. آنچه در این مطالعه، حائز اهمیت می‌باشد نگاه امیک به این مسئله و اینکه زنان مطلقه شهر ایلام اساساً علل، بسترها، پیامدها و زندگی بعد از طلاق یا به عبارتی دیگر، جهان اجتماعی خود را چطور می‌بینند و ارزیابی آنها از این قضیه به چه صورتی است. درک معنایی و ذهنی زنان مطلقه شهر ایلام امتیاز اصلی این تحقیق نسبت به تحقیقات مشابه است. نکته دوم، انتخاب مکان مورد مطالعه؛ یعنی، شهر ایلام می‌باشد. از دهه ۸۰ تاکنون، تحقیقاتی که با رویکرد روشی کیفی انجام گرفته‌اند سایر استان‌ها و شهرها را به عنوان مکان مورد مطالعه انتخاب کرده‌اند. بدین ترتیب، خلأ تحقیقی در مورد مسئله طلاق در بین زنان شهر ایلام و همچنین استفاده از روش کیفی و رویکرد نظریه زمینه‌ای از نکات مورد توجه در تحقیق حاضر می‌باشد.

۳. روش تحقیق

در این مطالعه، از روش کیفی با رویکرد نظریه مبنایی یا زمینه‌ای^۱ استفاده شده است.

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، زنان مطلقه در شهر ایلام و همچنین خانواده‌های آنان می‌باشد. اشباع نظری نیز تعیین کننده حجم نمونه است. تکنیک‌های مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از: مصاحبه نیمه استاندارد؛ بررسی اسناد و مدارک. تجزیه و تحلیل از سه نوع کدگذاری تشکیل شده است که عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. اعتبار در این تحقیق مبنی بر دقت در انجام تحقیق صورت گرفته است. در تحقیقات کیفی توجه به اعتبار تفاسیر است. دیویس و رود^۲ (۲۰۰۲) معتقدند که واژه دقت به نوعی با اعتبار ارتباط دارد. اینها درصد مفهوم سازی مجدد دقت از طریق کشف ذهنیت، بازاندیشی و کنش متقابل اجتماعی در امر مصاحبه هستند (گل افشانی، ۲۰۰۳).

دقت در تحقیقات کیفی به محققان اجازه می‌دهد که یک موضوع را با عمق زیاد شکافته، داده‌هایی پر مایه را به دست آورد. این فرایندی است که از آن به عنوان تثلیث^۳ یاد می‌شود

1 . Grounded Theory

2 . Davies & Rodd

3 . Traingulation

(لیسا، ۲۰۰۶؛ عباس زاده، ۱۳۹۰ به نقل از رضایی نسب، ۱۳۹۶). اعتبار‌پذیری به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد و عبارت است از درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان پژوهش و برای زمینه‌ای که این پژوهش در آن انجام شده است؛ به این معنا که آنچه در یافته‌ها و نتایج تحقیق از سوی پژوهشگر ذکر می‌گردد، همانی باشد که در نظر و پاسخگو بوده است. به منظور رسیدن به این امر لینکلن و کوبا به مواردی، همچون تماس طولانی با محیط پژوهش، مشاهده مستمر، بررسی از زوایای مختلف، تبادل نظر با هم‌تایان، تحلیل موارد منفی، کفایت مراجع و کنترل از سوی اعضا اشاره می‌کنند (حریری، ۱۳۹۰: ۶۶). اعتبار در این تحقیق با تأسی از نظر دیویس و رد مینی بر دقت در انجام تحقیق، و همچنین کنترل از سوی مشارکت‌کنندگان، صورت گرفته است.

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد^۱ (معادل اعتبار و روایی در تحقیقات کمی) در این پژوهش از سه تکنیک متعارف و مرسوم زیر استفاده شد: (۱) کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش از شرکت‌کنندگان خواسته شد یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و درباره صحت آن نظر دهند. (۲) مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. (۳) استفاده از نظرات سه متخصص در حوزه روش تحقیق کیفی بر مراحل مختلف کدگذاری و مفهوم‌سازی و استخراج مقولات.

ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان

جدول ۲) مشخصات مشارکت‌کنندگان تحقیق

ردیف	تحصیلات	سن	وضعیت اشتغال	شغل همسر	طول زندگی مشترک	تعداد فرزندان	زمان شناخت برای ازدواج قبل عقد
۱	کارشناسی ارشد	۳۳	کارمند	کارمند	۳ سال	۰	۳ ماه

^۱ . Trust worthines

مسائل اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره ۱ نویسنده مسئول: (زهرا رضایی نسب)

۲	کارشناسی	۲۱	آزاد	کارمند	۳ سال	۱	۱ ماه
۳	دکتری	۳۷	کارمند	کارمند	۵ سال	۰	۱ سال
۴	کارشناسی	۲۳	آزاد	کارمند	۹ ماه	۰	۱ ماه
۵	دیپلم	۱۹	خانه دار	کارمند	۷ سال	۲	۳ ماه
۶	فوق دیپلم	۲۰	خانه دار	آزاد	۶ ماه	۰	۱ ماه
۷	دبیرستان	۲۳	خانه دار	آزاد	۵ سال	۱	۶ ماه
۸	کارشناسی ارشد	۲۸	آزاد	آزاد	۲ سال	۰	۴ ماه
۹	کارشناسی	۲۸	کارمند	آزاد	۲ سال	۰	۲ ماه
۱۰	کارشناسی	۲۹	کارمند	آزاد	۱ سال	۰	۳ ماه
۱۱	فوق دیپلم	۲۳	آزاد	کارمند	۱ سال	۰	۴ ماه
۱۲	دیپلم	۲۲	خانه دار	کارمند	۲ سال	۱	۲ ماه
۱۳	دبیرستان	۲۴	خانه دار	آزاد	۷ سال	۱	۱ ماه
۱۴	کارشناسی	۲۴	آزاد	بیکار	۱ سال	۰	۲ ماه
۱۵	کارشناسی ارشد	۳۰	کارمند	آزاد	۴ سال	۰	۶ ماه
۱۶	دیپلم	۳۳	خانه دار	آزاد	۳ سال	۰	۱ ماه
۱۷	دیپلم	۱۸	آزاد	کارمند	۱ سال	۰	۱ ماه
۱۸	کارشناسی	۲۵	آزاد	بیکار	۴ سال	۱	۳ ماه

۸. یافته‌های تحقیق

(۱) پرسش اول: پدیده طلاق از نظر زنان مطلقه چگونه درک و تعریف می‌شود؟

جدول ۳) تعریف و درک پدیده طلاق از نظر زنان مطلقه

کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مقوله‌ها	گزاره‌ها

<p>طلاق به‌عنوان امری رهايي بخش از وضعیت موجود</p>	<p>-تنها راه خلاص شدن از زندگی سخت و نکبت بار -نبودن دید مثبت به طلاق -چیز خوبی نیست -تنها راه رهایی و نجات -شرایطی که در آخر مجبور به جدا شدن می شوی -یعنی نگاه کردن به تو به عنوان یک زن بیوه -تنها راه آزادی از دست ظلم و فشارهایی که بر رویت وجود دارد -تنها راه آزادی وقتی به بن بست می رسی -یعنی رهاشدن از مشکلاتی که شخص دیگری برای تو به وجود آورده -به نتیجه رسیدن دو زوج مبنی بر اینکه نبودشان منفعت بیشتری دارد -شرایطی که دیگه امیدی نیست -هیچ راه نجاتی نداری -آخرین راه چاره -وقتی تمام تلاشت را میکنی و نتیجه نمیگیری</p>	<p>درک و تعریف زنان مطلقه از طلاق</p>
--	--	---

۲) پرسش دوم: پدیده طلاق از نظر زنان مطلقه به چه عواملی نسبت داده می شود؟

کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مقولات	گزاره ها
-شرایط تنش زا	-عدم درک همدیگر -عدم درک مسائل از طرف شوهر -نداشتن تفاهم -عدم تعهد همسر -عدم مسئولیت پذیری همسر -خودخواهی شوهر -شکاکیت و سوءظن -ضرب و شتم؛ تحقیر توسط شوهر -دشنام؛ فحش؛ انتقاد و سرزنش مداوم شوهر -نداشتن امنیت بدلیل کتک کاری ها -عدم حمایت از طرف شوهر -بیماری جسمی شوهر -نداشتن تعادل روحی-روانی همسر -مصرف مشروبات الکلی توسط شوهر -مصرف قرص های توهم زا -اعتیاد و مصرف مواد مخدر همسر -سن پایین ازدواج -عدم علاقه به همسر -تفاوت رفتار شوهر در زندگی با وعده های قبلی او
	شرایط علی طلاق از دید زنان مطلقه

شرایط تنش‌زا در پژوهش حاضر مربوط به مواردی است که زندگی فرد را دچار تنش و فشار می‌کند و اوضاع روحی او را از حالت عادی خارج می‌کند. زنان مطلقه، علل طلاق خود را در شرایطی در قالب مفاهیمی چون خیانت همسر، اختلافات خانوادگی، اختلاف با همسر، اعتیاد شوهر، بیکاری شوهر، بی مسئولیتی همسر، خشونت همسر، مشکلات جنسی، تعصبات شوهر و... اشاره می‌کردند.

بعد از دوماه از عروسیمون که گذاشت متوجه شدم، همسر من مواد مصرف می‌کند. بعد از اینکه متوجه شدم و بهش گفتم کارمون دعوا کردن و فحش و... بود. بعضی وقتا که کم می‌آورد و نمی‌توانست منو قانع کنه شروع به کفر کردن و کتک زدنم می‌کرد. به خانواده همسر من هم که موضوع رو گفتم بجای اینکه فکری بکنن، میگفتن که پیش ما سالم بوده و دروغ می‌گی. حالا پیش تو این بلا سرش اومده خودت هم براش یه فکری بکن. در حالیکه تو مجردی مصرف می‌کرده و اینا موقع خواستگاری به من نگفته بودن... ما در طی مدتی که با هم زندگی کردیم خیلی باهمدیگه ارتباط جنسی هم نداشتیم اگه هم بود اصلاً ارضاء نمیشدم. (۲۳ سال، آزاد، فوق دیپلم).

۳) پرسش سوم: شرایط زمینه‌ای وقوع طلاق از نظر زنان مطلقه کدامند؟ شرایط زمینه به محل حوادث و وقایع مربوط به پدیده دلالت دارد.

جدول ۵) کدگذاری باز و محوری شرایط زمینه ای طلاق

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	شرایط زمینه ای طلاق از دید زنان مطلقه
مقولات	گزاره ها	
- کژکارکردی خانواده ها - بستر فرهنگی - بستر اقتصادی	- ازدواج به دلیل ترس از مجرد ماندن - ازدواج بدلیل شرایط بد خانوادگی - ازدواج به دلیل عدم حمایت مالی خانواده - ازدواج به دلیل تعصبات شدید خانواده و فرار از این شرایط - ازدواج به دلیل اصرار خانواده - نداشتن ارتباطات مناسب در زمان محدود نامزدی- عقد بدلیل سخت گیری والدین - روش نادرست فرزندپروری در خانواده ها - توجه ویژه به فرزند پسر و عدم کنترل آنها - دخالت های نابجای خانواده ها - طرفداری های نابجا خانواده شوهر - دعوا و اختلاف با مادر شوهر - اختلاف با خواهر شوهر - تعصبات شدید خانواده بر روی دختر - بی مسئولیتی خانواده ها - توجه صرف خانواده ها به فرزندآوری - غفلت از تربیت صحیح - پایین بودن سطح سواد والدین و افکار قدیمی آنها - دوران نشان و نامزدی کم - دوران محدود عقد و عجله در گرفتن عروسی	

کژکارکردی خانواده‌ها مقوله مهم در پژوهش حاضر است. خانواده به عنوان نهادی اجتماعی، هسته نخستین پیوند اجتماعی انسان را بنیان می‌نهد و با تأمین مجموعه‌ای از نیازهای انسانی، عهده‌دار نقش‌ها و کارکردهای ویژه‌ای است. با توجه به اهمیت خانواده به‌عنوان اولین کانون رشد فرد، در پژوهش حاضر، بیشتر زنان، دلایل طلاق خود را اختلاف و تنش چه با خانواده خودی و چه با خانواده همسر ذکر کرده‌اند. به نظر می‌رسد، خانواده‌ها آن طور که باید، در انجام کارکردهای خود موفق نبوده‌اند و تنها به بعد زیستی و تولید مثل توجه داشته و از سایر کارکردهای خود غافل مانده‌اند. به اعتقاد گوروچ، خانواده پدیده‌ای است که هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از فراگردهای «ساخته شدن»، «از ساخت افتادن»، و «باز ساختی شدن» برخوردار است (صادقی فسایی، ۱۳۹۲). در حالیکه بنا بر نظرات پاسخگویان، ما شاهد هستیم که برخی الگوهای سنتی در خانواده‌ها که بعضاً نامتجانس با تغییرات جدید بوده، همچنان در خانواده‌ها باقی مانده‌اند (همانند مخالفت با انتخاب شریک زندگی توسط فرد، کنترل و تعصب شدید، عدم حمایت از دختران، نادیده گرفتن حقوق زن، توجه ویژه به فرزند پسر و...) و خانواده‌ها برای تغییر آنها مقاومت سخت نشان می‌دهند.

مادرم بیسواد و پدرم هم سیکل بود. و خیلی به مشکلاتی که ممکنه بین زن و شوهر اتفاق بیوفتد، آگاه نیستند در همان زمان دعوی ما، وقتی با اون شرایط از سر کار رفتم خونشون عصبانی شدند و در همان لحظه عصبانیت هرچی حرف از دهنشون دراومد بارش کردن و مشکلات من دو چندان شد و نمیداشت دیگه دخترمو ببینم. دیگه واقعاً به آنها هم اطمینان و اعتماد نداشتیم. به جای اینکه کمک کنن و از مشکلات کم کنن، اوضاع ما بدتر و بدتر می‌شد (۳۳ سال، آزاد، دیپلم).

در این میان بسیاری از زنان به جامعه‌پذیری ناقص دینی- اجتماعی در خانواده‌هایشان اشاره داشتند. جامعه‌پذیری فرایندی است که به دنبال آموزش‌های عام (اعم از آموزش رسمی و غیر رسمی) به افراد بدست آمده و موجب حلول قوانین رفتاری هر جامعه و همه انتظارات

فرهنگی آن، در کل شخصیت روانی افراد، با (توجه به مشارکت آنها در نظام آن اجتماع)، می‌گردد و این قوانین و انتظارات را بر شخصیت فرد حک می‌کند (دفلور، ۱۳۸۳: ۶۳۷).

در این تحقیق از دیدگاه زنان، دین نقش اساسی در فرایند جامعه‌پذیری دارد. در این زمینه به نقش اساسی والدین (و در ادامه سایر نهادها) در جهت‌گیری مذهبی و فرایند جامعه‌پذیری دینی توجه داشتند و غفلت والدین را علت اصلی رویگردانی از مذهب و معنویات می‌دانستند. به‌نظر این زنان، مفاهیمی چون صبر، توکل، ایمان قلبی، یاد خدا در شرایط سخت، سختی و عذاب به‌عنوان آزمایش الهی و حتی مهارت‌های ارتباطی و... آنطور که باید برای آنها درونی نشده بود. همچنین بسیاری از زنان از عدم اطلاع از مهارت‌های مقابله با مشکلات صحبت می‌کردند. در خانواده فقط به بعد فرزندآوری و تولید مثل توجه شده و از اهمیت تربیت و اجتماعی شدن صحیح غفلت شده است. در این زمینه بایستی به نقش خانواده، نهادهای مذهبی، مدرسه، رسانه‌ها و حتی افکار عمومی توجه ویژه داشت. می‌توان گفت جامعه‌پذیری ناقص روندی که در آن، جریان اجتماعی شدن به طور کامل تحقق نیابد و افراد از حقوق و وظایف نقش‌های خود درک کاملی نداشته باشند یا برای انجام آنها آمادگی لازم را پیدا نکرده باشند. در این صورت در برآوردن انتظارات یکدیگر دچار مشکل می‌شوند و به این ترتیب، ناسازگاری پیش خواهد آمد.

از همان بچگی به ما صبر و توکل را یاد دادند، اینکه در زندگی به هر حال مشکل و گرفتاری طبیعی است، اینکه برای هرکاری یا اقدامی بدون فکر اقدام نکنیم، نه اینکه نادانی کنیم و خودمان را از بین ببریم. به هر حال پدر و مادرم بیسواد بودند و آگاهی نداشتند و فکرشان قدیمی. باور کنید فقط بچه آورده اند و آنها را تو خیابون و کوچه ول کرده اند تا بزرگ بشن (۳۳ سال، آزاد، دیپلم).

در محیط خانواده پدری هم یادم میاد کسی نبود از خدا یا قرآن برایمان حرف بزند. الان مدت هفت ماهی است که در جلسات مسجد محله‌مان مدام شرکت میکنم دیدم واقعاً عوض شده به زندگی. شاید اگر بیشتر با این دستورات آشنا بودم یه خورده تحملم بالا میرفت. شوهرمم که چیزی از دین و ایمان حالیش نبود تو همچین خانواده بی‌دینی بزرگ شده بود. مدام وقتی عصبی می‌شد کفر و توهین به مقدسات می‌کرد. واقعاً دیگه نوری تو زندگیمون نمونه بود (۲۴ سال، خانه دار، متوسطه).

بستر اقتصادی مقوله دیگر است. کانگر^۱ معتقد است دوره‌های سخت اقتصادی در جامعه، نتایج زینباری بر خانواده‌ها دارد. از جمله آنها احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی‌سازمانی آن است. محرومیت اقتصادی، تعاملات مثبت زوجین را کاهش می‌دهد و آنها را به سوی طلاق سوق می‌دهد. مشکلات اقتصادی در بین زوجینی که منافع خانوادگی آنها برای بقای زندگی در سطح استاندارد مناسب نمی‌باشد، زندگی زناشویی آنها را بی‌ثبات می‌کند و مردان در این خانواده‌ها، بیشتر تعامل منفی دارند (کانگر و الدر^۲، ۱۹۹۰). طلاق نتیجه جامعه‌ای است که هیچ رابطه نر مالی بین درآمد و هزینه برقرار نکرده است. همچنین بستر فرهنگی از دیگر عوامل زمینه‌ساز در این تحقیق است که از مقوله‌هایی مانند پایین بودن سطح سواد، پایین بودن سطح آگاهی، پایین بودن آموزش، نفش تفکر و عقلانیت، پایین بودن ایمان قلبی استخراج شده است.

واقعاً از لحاظ شرایط مالی اوضاعمون خوب نبود. انگار نه انگار مسئولیت یه خانواده باهش بود. بیکار بود دنبال کار نمی‌رفت. هی میگفت کار نیست. یه وانت داشت که بعضی وقتا اگه کاری براش گیر می‌میومد میرفت. منتظر بود بهش زنگ بزنن. ما بیشتر وقتا سر سفره پدر و مادرم بودیم. خونه پدرشوهرم خیلی نمی‌رفتیم (۲۳ سال، خانه دار، متوسطه).

(۱) پرسش چهارم: شرایط میانجی طلاق از نظر زنان مطلقه کدامند؟ شرایط میانجی، شرایط کلی و وسیع تری که بر چگونگی کنش/کنش متقابل اثر می‌گذارد؛ عبارتند از: زمان، فضا(مکان)، فرهنگ، پایگاه اقتصادی، سطح تکنولوژی، تاریخچه و وقایع زندگی فرد. در واقع شرایط میانجی یا ساختاری در رابطه با سهولت بخشی یا محدودیت‌هایی است که از طریق وضعیت زمانی، مکانی، فرهنگی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی به گونه ای غیرمستقیم در پدیده موردنظر تأثیر می‌گذارد.

جدول ۶) کدگذاری باز و محوری شرایط میانجی طلاق

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	شرایط میانجی طلاق از دید زنان مطلقه
مقولات	گزاره‌ها	
- نبود مهارت - های ارتباط بین فردی	- عدم صحبت و گفتگو در خانواده ها - توسل به زور و خشونت - عدم تحمل و صبر؛ عصبانیت زودهنگام همسر	

1. Conger

2. Elder

-ناهمسان همسری‌ها -فشار هنجاری -آموزه‌های مدرنیته	-روابط سرد عاطفی -سرد مزاجی؛ زود ارضایی -روابط جنسی همراه با خشونت روابط سرد عاطفی؛ بی‌توجهی و بی‌محبتی عدم صداقت؛ نداشتن تفاهم، تحقیر و بی- احترامی -تفاوت سنی با همسر -تفاوت در اعتقادات مذهبی -اختلافات مبنی بر شرکت در مراسمات مذهبی -تفاوت تحصیلات و عدم درک همدیگر -تفاوت در طایفه محل زندگی -تقدیرگرایی و اعتقاد به شانس در ازدواج -دورویی و نفاق -تعصبات شدید بر روی دختران -توجه ویژه روی فرزند پسر و عدم کنترل آنها -پایین بودن سطح سواد در منطقه -وجود تکنولوژی مدرن در خانه -مقایسه خود با دیگری از طریق وسایل ارتباطی جدید	
---	---	--

دوسوگرایی جامعه‌شناختی^۱: تناقض هنجار اصلی با ضدهنجارهای فرعی مقوله هسته و مهم این تحقیق می‌باشد. در مفهوم دوسوگرایی جامعه‌شناختی از یک طرف فشارهای هنجاری ناشی از عصبیت‌های ایلی-طایفه‌ای و از طرف دیگر آموزه‌های مدرنیته را داریم. فشار هنجاری را می‌توان محدودیت‌هایی در سطح محیط اجتماعی و محل زندگی دانست که فرد توانایی غلبه بر این موانع را در خود نمی‌بیند. از مصادیق فشار هنجاری در صحبت‌های زنان، فشار ناشی از «عصبیت ایلی» است. این مفهوم از دو واژه عصبیت و ایل تشکیل شده است. عصبیت از نظر لغوی از ریشه «عصبه» به معنای خویشاوندان شخص از جانب پدر است و شخص صاحب

^۱ . لازم به ذکر است مقوله دوسوگرایی جامعه‌شناختی مفهومی است که نویسنده در رساله دکتری خود در مورد خودکشی زنان شهر ایلام به آن رسیده بود. این مفهوم با صحبت‌های زنان مطلقه همخوانی داشت. دوسوگرایی جامعه‌شناختی بدان معنا است که زنان در مسئله خودکشی خود را از هر جهت در بن بست می‌دیدند؛ اما در طلاق، زنان بواسطه شرایطی از جمله خانواده‌های منقطع تر، داشتن شغل و استقلال مالی، تحصیلات بالاتر و... روزنه امیدی در این شرایط سخت مشاهده می‌کردند. هر چند در ادامه حتی زنان مطلقه نیز به دلیل شرایط محدودکننده، به خودکشی می‌اندیشیدند.

عصبیت کسی است که از حریم جد اعلائی خود دفاع کند. عصبیت از راه پیوند نسبی و وابستگی خاندان‌ها به یکدیگر و با مفاهیمی مشابه آن، حاصل می‌شود. در ضمن این خویشاوندی باید واضح و صریح باشد و خویشاوندان همدیگر را به عنوان خویشاوند شناخته، قبول داشته و با هم همکاری کنند (ابن خلدون، ۱۳۵۹: ۲۴۷). ابن خلدون ملاط همبستگی ایلی را عصبیت یعنی ارزش‌های قومی و قبیله‌ای می‌داند که از پیوند نسبی و یا پیوند خویشاوندی حاصل شده با هم پیمانی و هم سوگندی گسترش می‌یابد. عصبیت ایلی یعنی پیروی تقلیدی از یک چارچوب غیر منعطف، یا به عبارتی پیروی و دنباله روی از هنجارها و ارزش‌های ایلی. با توجه به اینکه جامعه ایلام یک جامعه ایلی است زنان در صحبت‌های خود به مصادیق عصبیت در یک چارچوب هنجاری متعین و سخت در قالب مناسبات ایلی اشاره می‌کردند. مصادیق عصبیت ایلی در صحبت‌های زنان مطلقه، عبارتند از: مردسالاری شدید، عدم تفکر و منطق در بحث و گفتگو، عدم کنش ارتباطی به‌ویژه در مردان، جنس دوم بودن زن، توجه ویژه به فرزند پسر از دوران کودکی، سطح پایین تحصیلات مادران و زنان، رواج باورهای عامیانه، مهم بودن دیگری، نظارت و کنترل شدید اجتماعی، فضای کوچک و باخبر بودن همگی از احوال یکدیگر، تقلید از اجداد و نیاکان (به‌ویژه تقلید مذهبی). در زیر به مواردی از صحبت‌های زنان مطلقه ارائه شده است:

پدرم بیشتر بخاطر وضعیت خواهر بزرگترم که چند سال پیش ازدواج کرده بود و ۲ دختر داشت و شوهرش معتاد از آب درآمد بود روی این موضوع حساس شده بود. و کاری کرد که من به این جواب بله بدم چون واقعاً هیچ حسی بهش نداشتم. میگفت من چه گناهی کردم که خدا همچین بخت‌هایی را برای من بیاورد. اتفاقاً یادمه خواهرمم فقط برای اینکه از این خانه برود ازدواج کرد و خودش را بدبخت کرد (۲۸ سال، کارمند، کارشناسی).

بنظرم اینکه چطور در یک خانواده بزرگ میشوی خیلی مهمه و به خانواده بستگی دارد. خانواده ش از طایفه ارکوازی هستند انگار نوکر و مظلوم گرفته‌اند. برای زن هیچ ارزشی قائل نیستند. پدر و مادرش مدام در حال دعوا هستند این هم یاد گرفته بود ازشون. البته پدر و مادر خودم هم فکرشون قدیمیه. ما دوران عقد با اینکه بیشتر از ۳ ماه با هم نبودیم؛ ولی بخدا شناخته بودمش. یک بار به مادرم گفتم ما به درد هم نمی‌خوریم. میگفت عیبه. شوهر که آدمو نمی‌خوره میخاد چیکارت کنه. ما تو این شرایط بزرگ شدیم حرف حرف دیگرانه تا ما؛ نظر دیگران خیلی مهم تر از ماست (۱۹ سال، خانه دار، دیپلم).

اما در قسمت دیگر، آموزه‌های مدرنیته را داریم. مدرنیته به معنای تجدد، نوین و تازگی می‌باشد، که اولین بار در آثار «ژان ژاک روسو» در قرن ۱۸ به کار رفت و بعد از وی در آثار بسیاری از نویسندگان آن عصر متداول گشت. مدرنیته در اصطلاح عبارت است از نوعی حالت و کیفیت، ویژگی و تجربه مدرن یا دوره مدرن، که بیانگر تازگی، بداعت و نو بودن زمان حال به عنوان گسست یا انقطاع از گذشته، و ورود به «آینده‌ای» که در حال ظهور است می‌باشد، و گستره آن با فکر یا ایده نوآوری، ابداع، ابتکار، تازگی، خلاقیت، پیشگامی، پیشرفت، ترقی، توسعه، رشد، تکامل، سلیقه و مد همراه است. نقطه مقابل مدرنیته، گذشته‌گرایی، کهنه‌پرستی، رکود، عقب افتادگی، قدیمی بودن و ... می‌باشد. محیط‌ها و تجارب مدرن، تمامی مرزهای جغرافیایی و قومی، طبقاتی و ملی، دینی و ایدئولوژیکی را در می‌نوردند. در این معنا می‌توان گفت که مدرنیته کل نوع بشر را وحدت می‌بخشد. اما این وحدتی معماوار و تناقض آمیز است؛ وحدتی مبتنی بر تفرقه. این وحدت همه را به درون گرداب فروپاشی و تجدید حیات مستمر می‌افکند، گرداب مبارزه و تناقض، ابهام عذاب» (کرباسی زاده اصفهانی و حیدریان، ۱۳۸۸).

برمن، مدرنیته را میانجی مدرنیزاسیون و مدرنیسم می‌داند. مدرنیزاسیون مجموعه از برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی شدن، شهرنشینی و کاربرد تکنولوژی در زندگی روزمره است. این مجموعه از تغییرات با نگرشی فرهنگی به نام مدرنیسم همراه است که در آن بر فردگرایی، دموکراسی، برابری و تعاملات باز تأکید می‌شود (جمشیدیها و قلی پور، ۱۳۸۹). در تحقیق حاضر نیز، مدرنیته اغلب در مقابل سنت قرار گرفته است و نشان دهنده جدایی از سنت است. اگر سنت به گذشته می‌نگرد مدرنیته ظاهراً نگاهش به آینده است. فرهنگ مدرن اغلب با واژه‌هایی مانند پیشرفت، توسعه، رهایی، آزادی، رشد، انباشت، روشن‌گری، بهبود، و ... در ارتباط است. از جمله تناقضات موجود در بین زنان، تناقضی است که بین آموزه‌های مدرنیته (وجود تکنولوژی جدید در منزل، آگاهی از حقوق خود، دسترسی به شبکه‌های مجازی، شهرنشینی سریع، افزایش سطح تحصیلات، اشتغال زنان، ارتباطات اجتماعی جدید و...) با فشار هنجاری ناشی از سنت‌های گذشته (مردسالاری شدید، عدم توجه به جنس مونث، پافشاری بر سنت‌ها و عدم انعطاف‌پذیری، عدم گفتگو و منطق در مورد مسائل مختلف و...) وجود دارد.

فشار روحی من در یک برهه آنقدر زیاد بود که در طول یه مدتی همش به خلاص شدن از این وضعیت فکر می‌کردم. بقیه رو که می‌دیدم دستشون تو جیب خودشان بود، شاغل بودن و خرج می‌کردند و من باید چشمم به دنبال جیب شوهرم که چیزی رو به خانه میاره یا نه. خودم هم که با اینکه ۴ سال درس خونده بودم نه کاری داشتم نه کسی به من کار می‌داد. دوستانی دارم که همیشه از هم خبر می‌گیریم. مدام تو اینستا از زندگیشون، سفره‌اشون عکس میذارن. رفتار شوهرانشون باهشون خوب. آنوقت شوهر من هیچ امکاناتی برای زن و زندگیش تامین نمی‌کرد و مجبور بودیم به این و اون دست دراز کنیم (۲۹ سال، بیکار، کارشناسی).

در حوزه جامعه‌شناسی، مرتون^۱ با شرح و بسط نظریه «دوسوگرایی جامعه‌شناختی»^۲ به تبیین دوگانگی نظر و عمل (نگرش و رفتار) می‌پردازد (مرتون، ۱۹۷۶: ۱۷ به نقل از رضایی نسب، ۱۳۹۶). دوسوگرایی جامعه‌شناختی را از نظر مرتون در این تحقیق را می‌توان در ناسازگاری میان هنجارهای اصلی و ضدهنجارهای فرعی جستجو نمود.

منظور از دوسوگرایی در تحقیق حاضر، تناقضی است که میان آموزه‌های ناشی از هنجارهای سنتی و عصبیت‌های ایلی و طایفه‌ای (توجه ویژه به فرزند ذکور، عدم توجه به فرزند دختر، خشونت و اجرای تصمیمات با زور و فشار، نبود فرهنگ گفتگو، ازدواج در سنین پایین، ازدواج‌های اجباری، تقلید مذهبی از نیاکان و عدم اعتقادات قلبی-عملی،) وجود دارد و رواج آموزه-های نوگرایانه (تساوی طلبی جنسیتی، مصرف رسانه، ارتباطات اجتماعی با دیگری مهم، شهرنشینی سریع، تحصیلات و اشتغال زنان، آموزه‌های دینی در مورد تکریم و احترام به زن) در بسیاری موارد در چالش با آموزه‌هایی قرار داشت که در یک چارچوب هنجاری متعین برای زنان درونی شده بود. به عبارتی، طبق اظهارات زنان، در جامعه ایلام زنان یک زیست دوگانه یا زندگی در دو زیست جهان مختلف را تجربه می‌کنند.

ناهمسان همسری از دیگر مقولات این پژوهش است. به گمان لاک و برگس^۳، بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزینه. همسان همسری به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود؛ مانند همانندی طبقه اجتماعی، سطح تحصیلی، گروه نژادی،

^۱ .Merton

^۲ . Sociological Ambivalence

^۳ . Lock & Burgess

گروه دینی، جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیت شناختی و همسانی منش یا همان ویژگی‌های روان شناختی.

یکی از سوژه‌ها می‌گفت که ما اصلاً همدیگر را نمی‌فهمیدیم من از یک طایفه، اون از یه طایفه دیگه. تازه تحصیلاتمون هم فرق داشت من کارشناسی بودم و اون دیپلم. جالب اینجاست که بازم زبون اون درازتر بود و همیشه می‌گفت ۴ کلاس سواد داری میخای هی منو متهم کنی (۲۱ سال، آزاد، کارشناسی).

فقدان مهارت‌های ارتباطی قبل و بعد از ازدواج می‌تواند مشکل‌زا باشد. ارتباطات میان فردی، مبنای اولیه پیوند با دیگران را تشکیل می‌دهد. ارتباطات مؤثر موجب شکوفایی افراد و بهبود کیفیت زندگی می‌شود. این در حالی است که ارتباطات غیر مؤثر، مانع شکوفایی و حتی ابزاری برای سلب آسایش و آرامش روان انسان است. نتایج بسیاری از پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که مهارت‌های ارتباطی و چگونگی ارتباط بین زوجین، پیش‌بینی کننده خوبی برای رضایت زناشویی است (اسماعیل پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳). ارتباط خوب همسران، آنها را قادر می‌سازد تا نیازها، خواسته‌ها و علایق خود را با یکدیگر در میان بگذارند و عشق، دوستی و محبتشان را نسبت به یکدیگر ابراز کنند. هنگامی که رابطه صمیمانه متوقف می‌شود، انرژی عشق به آزردهی و خشم تبدیل می‌شود و در نتیجه، منازعات فراوان، انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت، عدم همراهی عاطفی و غیرقابل حل ماندن مشکلات را به وجود می‌آورد (بولتون، ۱۹۸۶ به نقل از سادات جوادی، ۱۳۹۴). مهارت‌های ارتباطی زوجین شامل مهارت‌های صحبت کردن، گوش دادن، حل تعارض، تعاملات عاطفی (ارتقای روابط جنسی زوجین، تقویت دلبستگی) و روابط بین فردی است که منجر به روابط رضایت بخش، حمایت‌گر و پایدار می‌شود. متأسفانه این مهارت بسیار مهم در جوامع و خانواده‌های سنتی مانند جامعه ایلام کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. زیرا تحت تأثیر فشار هنجاری ناشی از عصبیت‌های ایلی، تصمیمات معمولاً با زور و اجبار به کرسی می‌نشینند. در خانواده‌های قدیمی و سنتی رفتارها به ندرت دوستانه بوده و بیشتر جو تحکم، خشونت و پرخاشگری، تحقیر و... رواج داشته است. با وجود آسیب‌هایی که این الگوی ارتباطی ایجاد می‌کند؛ زنان ناخواسته به بازتولید آن می‌پردازند. این در حالی است که مهارت‌های ارتباطی در هر سنی قابل اکتساب هستند.

یکی از سوژه‌ها می‌گوید در طول دو سال زندگی مشترک، در موقع دعوا و اختلاف باور کن یک بار ننشستیم و با هم سنگامون را وا کنیم. مثلاً آگه از دستش عصبانی می‌شدم عقدهم را روی غذا خالی می‌کردم و آن را شور می‌کردم. چون کلاً عادت نداشتیم حرف بزنییم. البته از کی یاد می‌گرفت. یه بابای متعصب و بد دلی داشت که اینم دقیقاً به اون رفته بود. کسی نمی‌تونست روی حرفش، حرف بزنه (۲۴) سال، خانه دار، متوسطه).

(۲) پرسش پنجم: راهبرد یا استراتژی زنان مطلقه جهت برخورد با مشکلات و تعارضات کدامند؟

جدول (۷) راهبردهای زنان جهت برخورد با تعارضات

کدگذاری محوری	کدگذاری باز	
مقولات	گزاره‌ها	
-اعتراض درونی	-گریه و زاری هنگام دعوا و مشکلات	استراتژی زنان مطلقه
-اعتراض بیرونی	-قفل شدن مغز	
-رویگردانی از معنویات	-ندانستن راهکار	
-نبود رویکرد تعاملی-منطقی	-نفرتین کردن شوهر	
-عدم مدیریت تنش	-داد و بیداد کردن	
-مدیریت تنش	-دعوا با همسر	
	-کفر و ناسزا به مقدسات	
	-نفرتین کردن همه	
	-نامیدی از خدا	
	-دعواکردن با فرزند	
	-راهکار مقایسه خود با دیگری	
	-مصرف داروهای آرام بخش	
	-رفتن نزد مشاور	
	-خودخوری کردن	
	-قهر و سکوت کردن	
	-جواب ندادن عذرخواهی در شرایط تنش	
	-عدم گفتگو و صحبت در زمان مشکلات	
	-نبود فرهنگ مشورت و درد دل کردن با دیگری	
	-بی‌فایده بودن مدارا و کوتاه آمدن	
	-توسل به خدا و ائمه	

-نذر و نیاز کردن
-مراجعه به دعانویس
-مشغول شدن با درس و دانشگاه (بعد از طلاق)
-رفتن به باشگاه؛ استخر برای فراموشی شرایط
-مشغول شدن با کلاس‌هایی مانند طب سنتی،
خیاطی، آرایشگری، آشپزی
-قطع رابطه بصورت موقت با دیگران
-خانه نشینی و گوشه‌گیری

راهبردهایی که پاسخگویان برای رویارویی با تعارضات در دو مرحله قبل و بعد از طلاق به کار برده‌اند عبارت است از: اعتراض بیرونی، اعتراض درونی، رویگردانی از معنویات، نبود رویکرد تعاملی-منطقی، عدم مدیریت تنش، مدیریت تنش. در واقع بسیاری از زنان در این جامعه و با ویژگی‌هایی که در بالا اشاره شد، امکان بکارگیری راهبردهای مؤثرتر را نداشته‌اند. این زیر مقوله‌ها در قالب سه مقوله اصلی اعتراض به وضعیت موجود، راهبردهای اجباری نزدیک به شکست و مدیریت وضعیت، دسته‌بندی شدند.

بعد از طلاقم برا اینکه یه خورده شرایطم رو عوض کنم هم دانشگاه میرم و هم با آرایشگاه خودم رو مشغول میکنم. وقت خالی برا خودم نداشتم چون وقتم آزاد باشه تو فکر میرم. واقعاً شرایط من سخت بود. هرکی جای من بود اصلاً تحمل نمیکرد چون من باردار بودم و طلاق گرفتم. قرار شد که بچه رو بدنیا بیارم و یک روز هم بهش شیر ندم و بهشون تحویل بدم. مدام تو فکر بچم بودم. انگار یه عذاب وجدان بود همش بچه م جلوی چشمم بود (۲۳ سال، آزاد، کارشناسی).

اگه به قبل از طلاقم برگردیم واقعاً دیگه چاره‌ای برام نمونه بود. وقتی مشکلی برام پیش می‌اومد نه خواهی داشتیم که بتوانم با اون درد دل کنم. پدر و مادرم هم که در خانه به حرف من و خواهرم گوش نمی‌دادند. انگار آدم نبودیم.. نه نظری نه مشورتی هیچکدام از اینها در خانواده ما جا نداشت و ندارد. دیگه موقع دعوا با همسرم کارمون فقط جیغ و داد و بیداد و گریه کردن و کفر و توهین به مقدسات و... بود. بعد از طلاق هم برا اینکه خیلی اذیت نشم رفت و آمدم رو با خلیا که دیدنشون اذیتم می‌کنه تو فامیل، قطع کردم. خیلی بیرون نمیرم و تنهایی برام بهتره (۲۲ سال، خانه دار، دیپلم).

(۳) پرسش ششم: طلاق برای زنان مطلقه چه پیامدهایی دارد؟

کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مقولات	گزاره ها
<p>- تغییرات مثبت در وضعیت</p> <p>- تغییرات منفی</p> <p>- اختلال در مناسبات اجتماعی</p> <p>- پیش دآوری های منفی دیگران</p> <p>- فرسایش سرمایه اجتماعی</p> <p>- مشکلات اقتصادی</p> <p>- کنترل و نظارت شدید</p> <p>- از هم گسیختگی خانواده</p> <p>- مسائل مربوط به آینده فرزندان</p>	<p>- خلاص شدن از سوءظن های همسر</p> <p>- رهایی از شرایط بد</p> <p>- رهایی از فشار روحی-روانی ایجاد شده</p> <p>- پذیرش و حمایت از سوی خانواده</p> <p>- سردردهای شدید</p> <p>- خود درمانی و افزایش مصرف دارو برای آرامش</p> <p>- احساس شکست در زندگی</p> <p>- رفتارهای پر خاشگرانه</p> <p>- افکار خودکشی بدلیل شرایط بد (بعد از طلاق)</p> <p>- حس تنهایی</p> <p>- حس ترحم از طرف آشنایان</p> <p>- افسردگی و گوشه گیری</p> <p>- تنفر نسبت به جنس مخالف</p> <p>- بی اعتمادی نسبت به جنس مخالف</p> <p>- بدبینی نسبت به ازدواج مجدد</p> <p>- فشار و اجبار برای ازدواج مجدد</p> <p>- دید منفی نسبت به زن مطلقه</p> <p>- سوءاستفاده دیگران</p> <p>- رعایت نشدن حریم شخصی زن مطلقه به ویژه از طرف مردان</p> <p>- طلاق به عنوان عاملی برای تجاوز دیگران به حریم خود</p> <p>- از دست دادن اعتقادات</p> <p>- از دست دادن موقعیت های گذشته</p> <p>- اختلال در روابط و مناسبات با اقوام و آشنایان</p> <p>- مقصر قلمداد شدن از سوی دیگری</p> <p>- نبود حمایت مالی (بعد از طلاق)</p> <p>- مشکلات مالی</p> <p>- مشخص نبودن آینده فرزندان</p> <p>- خانواده از هم پاشیده شده</p> <p>- مشکلات تأمین مالی فرزندان</p> <p>- کاهش اعتماد به نفس فرزند</p> <p>- افزایش کنترل توسط خانواده</p> <p>- کنترل وضعیت ظاهری و رفت و آمدها</p> <p>- هم خانه شدن با خانواده و بیشتر شدن مشکلات اقتصادی</p>

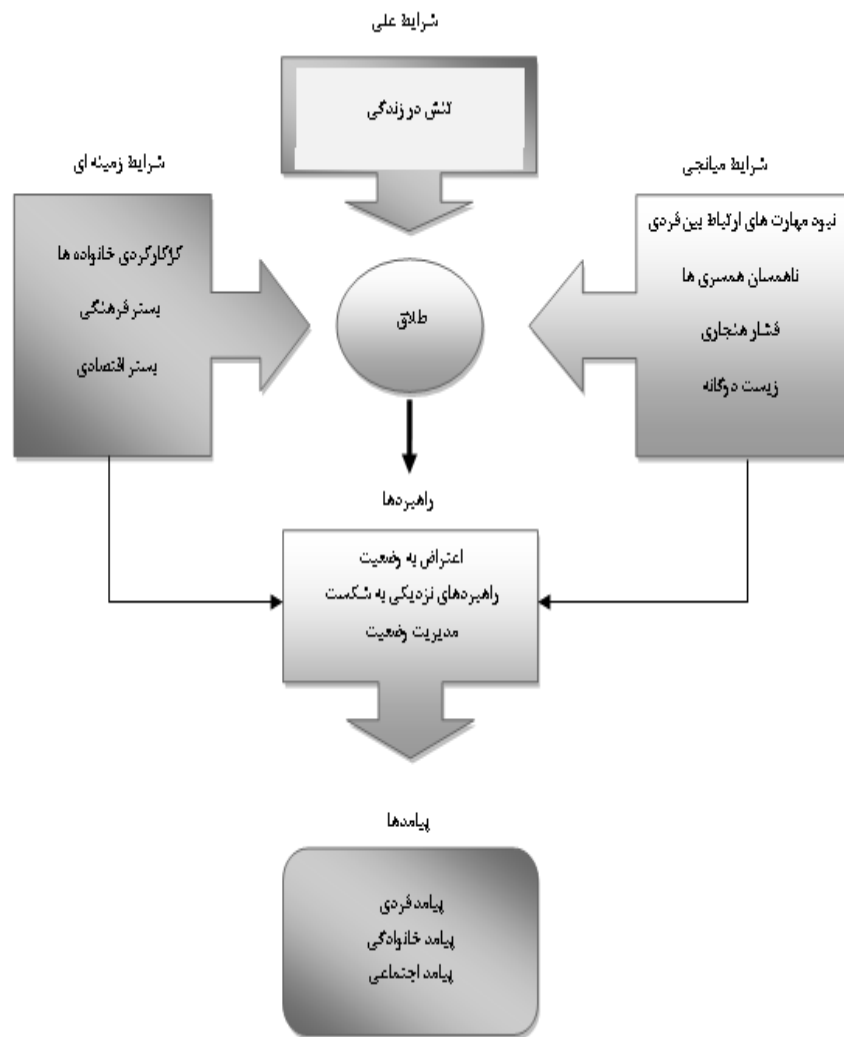
پیامد طلاق

پیامدها نشانگر آثار و تبعات طلاق زنان در خانواده و جامعه است. در این تحقیق، پیامدهای طلاق در قالب زیرمقوله‌هایی مانند تغییرات مثبت در وضعیت، تغییرات منفی، اختلال در مناسبات اجتماعی، پیش‌داوری‌های منفی دیگران، فرسایش سرمایه اجتماعی، مشکلات اقتصادی، کنترل و نظارت شدید، ازهم‌گسیختگی خانواده، مسائل مربوط به آینده فرزندان دسته‌بندی شد که در نهایت در قالب سه مقوله اصلی پیامد فردی (مثبت و منفی)، پیامد خانوادگی منفی، پیامد اجتماعی- فرهنگی دسته‌بندی شدند. به صحبت‌های چند مورد از نمونه‌های تحقیق در این قسمت اشاره خواهد شد.

بنظرم آدم تا مجبور نباشه طلاق نمی‌گیره. طلاق انگار سرطان. مثلاً وقتی سرطان به پاهات یا جای دیگه‌ای از بدنت می‌زند بخاطر بقاء و دوامت مجبوری که آن قسمت را بکنی و دور بندازی. در مورد طلاق هم چون تو شهر ما دید نسبت به زن بیوه بده، باید تمام راه‌ها رو بروی و ببینی می‌تونی این زندگی رو ادامه بدهی یا نه. خود من الان که برگشتم پیش خانواده‌م واقعاً احساس سرباری می‌کنم. سه تا خواهر و ۵ تا برادریم که بابام واقعاً حقوقش کمه. اینقد شرایط بد بود که چاره‌ای جز بخشیدن مهریه هم نداشتم چون طلاقم نمی‌داد. این هم شد قوز بالا قوز (۲۲ سال، خانه دار، دیپلم).

در خانواده‌های ما چون خیلی سنتی هستن بیشتر تحت کنترل قرار می‌گیری. وضعیت من سخت‌تر شده. خانواده‌م با اینکه میدونن دخترشون مقصر نبوده، این دامادشون بوده که معناد شده، کتک می‌زده، خرجی نمی‌داده و... ولی بعضی وقتا سرکوفت می‌زنن. یه بار عصبانی بودم و با مادرم حرفمون شد. طعنه و کنایه‌ای به من زد که بعدش واقعاً تو فکر این بودم که خودم رو خلاص کنم. بهم گفت تو از اول عرضه زندگی رو نداستی. پیش خودم گفتم تو که نزدیکترین کس پیش منی داری اینطوری میگی دیگه وای به حال دیگران (۲۴ سال، خانه دار، متوسطه).

مدل پارادایمی پژوهش



شکل ۱) مدل پارادایمی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد نظریه‌زمینه‌ای یا مبنایی و روند پژوهشی استقرایی-قیاسی به جای آزمون فرضیات بر انطباق یافته‌ها با واقعیات اجتماعی جامعه ایلام تأکید دارد. یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد که کژکارکرد بودن خانواده از جمله، مقوله‌های عوامل زمینه-ساز طلاق است. بیشتر زنان مطلقه به دخالت خانواده شوهر و عدم توجه به مدیریت خانواده در زمینه کاهش اختلافات اشاره می‌کردند. کلوبکار و سیمونیک (۲۰۱۸) و خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۹) نیز به نقش خانواده اشاره داشته‌اند.

جامعه‌پذیری ناقص دینی-اجتماعی که نتیجه تضعیف کارکرد خانواده است موجب تفسیر غلط از دین، نقش مذهب و اعتقاد به خدا، عدم یادگیری صبر، توکل، در کودکی، عدم یادگیری مهارت‌های مهم در کودکی، توجه تک بعدی به خانواده (فرزندآوری) می‌شود. در میان تحقیقات انجام شده، فاتحی زاده (۱۳۸۴) به متغیر همسویی در اعتقادات دینی به عنوان یکی از عوامل کاهش طلاق اشاره کرده است. بسیاری از تحقیقات نیز به متغیر فقدان مهارت‌های ارتباطی توجه کرده‌اند (مشکی و همکاران، ۱۳۸۹، واعظی، ۱۳۹۴، کلوبکار و سیمونیک، ۲۰۱۸، خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۹).

وضعیت نامناسب اقتصادی از جمله، علل طلاق برشمرده شده در این پژوهش است که از سوی تحقیقات دیگر (مانند بیگوند و بخشی، ۱۳۸۴؛ رحیمی، ۱۳۸۰؛ فاتحی زاده، ۱۳۸۴، خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۹) نیز مورد تأیید بوده است. اما پدیده‌ای که بیشتر خصلت بومی دارد، شاید فشار هنجاری ناشی از عصبیت‌های ایلی-طایفه‌ای باشد که از ویژگی‌هایی مانند مردسالاری، جنس دوم بودن زن، تعصب همسر، کنترل و نظارت شدید اجتماعی، اجرای تصمیمات با زور و نه منطق استخراج شده است. پدیده تناقض هنجار با واقعیت به عنوان یکی از علل طلاق در این تحقیق است. واعظی (۱۳۹۴) نیز در اثر خود به متغیر همزیستی فرهنگ بومی در کنار فرهنگ نوین اشاره کرده است که تا حدی با این مقوله، همخوانی دارد. در خلال بررسی پدیده خودکشی زنان در استان ایلام مقوله دوسوگرایی جامعه‌شناختی در قالب دوگانگی‌ها و تناقضات بدست آمد (رضایی نسب، ۱۳۹۶). این نقطه عطفی در مطالعات مربوط به مسائل اجتماعی در استان ایلام می‌باشد؛ چرا که به نظر می‌رسد، ریشه بسیاری از مسائل و

آسیب‌های اجتماعی در زنان ایلامی به این مقوله مهم مربوط می‌شود. در واقع این مقوله، می‌تواند به عنوان یک رویکرد بومی در زمینه مسائل اجتماعی زنان در استان ایلام پیشنهاد شود. در بین مفاهیم مطرح شده در قسمت چارچوب مفهومی، مفهوم تضاد ارزش‌ها و آنومی با این مقوله، همخوانی دارد. در واقع براساس نظریه تضاد ارزش‌ها، در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی مانند تضاد نوگرایی و سنت‌گرایی و تشدید تخصص بین نسل‌ها پدید می‌آید. نفوذ مدرنیته با گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی، سکولاریزم و دنیاگرایی، تغییر ارزش‌های اجتماعی، تفوق ارزش‌های فردگرایانه، تنوع روزافزون سبک زندگی و تأثیرات ناهمگون بر عادات، ارزش‌ها، تصورات و شیوه‌های فکر و اندیشه به فاصله گرفتن بیشتر افراد از کدهای رفتاری مبتنی بر مذهب و تعهد انجامیده است. خانواده نیز از فرایند بازاندیشانه روند مدرنیته، مستثنی نبوده و الگوی خانواده سنتی و متعارف با اولویت حفظ نهاد خانواده با چالش‌های جدی مواجه شده است. کما اینکه در صحبت‌های زنان به‌طور خاص می‌توان به زوال ارزش‌های مذهبی اشاره کرد. در واقع روند رو به رشد نوگرایی در خانواده که در قالب تغییر شکل در حمایت‌های اجتماعی خانواده، دسترسی به انواع شبکه‌های ارتباطی، حضور زنان در حوزه عمومی، کاهش فرزندآوری، کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی، تغییر در نگرش‌های جنسیتی، تغییر در شیوه گذران اوقات فراغت خانواده‌ها، افزایش میزان استفاده از رسانه‌ها، تغییر در ارتباطات دختران و پسران، به وجود آمدن شکل‌های جدیدی از خانواده‌ها، تغییر در چگونگی حیات عاطفی خانواده‌ها پدیدار می‌شود؛ می‌تواند به تغییر شکل یا فرسایش سرمایه فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها، آنومی و تضعیف وجدان جمعی و در نهایت افزایش طلاق ختم شود.

در تحقیق حاضر، زنان ایلام تحت تأثیر انواع فشارها به سمت طلاق کشیده می‌شوند. فشارهایی مانند فشار هنجاری که فشاری منبعث از سنت است. از طرف دیگر مؤلفه‌های مدرنیزاسیون نیز آنها را احاطه کرده است و چالش‌ها و تناقضاتی برای این زنان به وجود آورده است. در حالی که ساختارهای مادی صوری جامعه در اثر مدرنیزاسیون و جهانی شدن دگرگون شده است؛ اما ساختارهای فرهنگی هنوز بر دوش جامعه زن ایلامی سنگینی می‌کنند. در واقع، طلاق در استان ایلام ناشی از فروریختن ساختارهای سنتی و وارد شدن به شرایط جدید از دید زنان است. لیکن شرایط جدید آن شکل نگرفته است؛ چرا که قشر قدرتمند یعنی، مردان هنوز بر مسند سنت‌ها

تکیه دارند. اینجاست که بایستی برخورد با سنت به شکل مدرن مورد توجه قرار گیرد. بدین معنی که سنت‌ها پالایش شوند و عناصری از آنها که در شکل جدید زندگی دیگر کارایی ندارند، حذف یا تضعیف شوند. اصلاح رویه‌ها، آداب و سنن فرهنگی، ایجاد و خلق عادات و چهارچوب‌های جدید رفتاری، تشویق برای ایجاد فضای باز فکری و توجه ویژه به نقش زن در اجتماع، تغییر هنجارهای سنتی و نگرش‌ها در قشر دیگر و البته قدرتمند در جامعه ایلام یعنی مردان، ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹). مقدمه. ترجمه: پروین گنابادی. تهران: نشر کتاب.
- احمددوست، حسین و همکاران (۱۳۹۷). بسترها و پیامدهای طلاق در شهر رشت: یک مطالعه کیفی، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، دوره هفتم، شماره ۳: ۳۰۹-۳۲۵.
- اسماعیل پور، خلیل و همکاران (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران براساس باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۳۳: ۲۹-۴۴.
- اعتمادی، عذرا و همکاران (۱۳۹۳). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان، مجله زن و جامعه، شماره ۵: ۶۳-۷۴.
- بیگوند، داریوش و بخشی، حامد (۱۳۸۴). نگرش جمعیت ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن شهر مشهد به طلاق و عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر آن، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۵: ۴۵-۷۴.
- حریری، نجلا (۱۳۹۰). اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- جمشیدیها، غلامرضا و قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۹). مدرنیته و خودکشی زنان لک، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۱: ۷۹-۱۰۶.
- جمیلی کهنه‌شهری، فاطمه و رنجبر، مهناز (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی شادمانی با استفاده از نظریه بازکاوی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، شماره ۵۶: ۲۴۵-۲۱۱

- خجسته مهر، رضا و همکاران (۱۳۹۹). تبیین فرایند شکل گیری طلاق: یک پژوهش کیفی، فصلنامه دست آوردهای روان شناختی، دوره چهارم، شماره ۱: ۲۳-۴۶.
- دفلور، ملوین و دنیس، اورت دی (۱۳۸۳). شناخت ارتباطات جمعی. ترجمه: سیروس مرادی. تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما.
- رحیمی، حسین (۱۳۸۰). بررسی عوامل طلاق در استان خراسان، فصلنامه جمعیت، سال هشتم، شماره ۳۳ و ۳۴: ۱۰۰-۱۲۲.
- رضایی نسب، زهرا (۱۳۹۶). مطالعه کیفی پدیده خودکشی زنان شهر ایلام (با تأکید بر خودسوزی). رساله دکترا، رشته جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا.
- رضایی نسب، زهرا (۱۳۹۷). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مطلقه شهر ایلام، طرح پژوهشی درون دانشگاهی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه ایلام.
- رضایی، وحید و همکاران (۱۳۹۹). بررسی علل طلاق به شیوه تحلیل روایت در شهرستان یزد و طراحی آموزش پیش نیازهای زوجیت مبتنی بر علل طلاق با رویکرد یادگیری پنهان، ماهنامه طلوع بهداشت، سال نوزدهم، شماره ۱: ۷۳-۸۳.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: انتشارات سروش.
- زارغان، منصوره و سدیدپور، سمانه سادات (۱۳۹۶). فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره ۲: ۱۹۱-۲۱۸.
- سادات جوادی، بهناز و همکاران (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی و تعاملات عاطفی با رویکرد ارزش های دینی بر رضایت زناشویی، فصلنامه روان شناسی خانواده، دوره ۲، شماره ۲: ۳-۱۴.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
- سپیدنامه، بهروز و قیصریان، اسحاق (۱۳۹۳). بررسی وضعیت ازدواج و طلاق در استان ایلام طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۲، فصلنامه فرهنگ ایلام، دوره پانزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵: ۱۱۲-۱۲۴.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۶۶). ایل ناشناخته: پژوهشی در کوه نشینان سرخی فارس. تهران: نشر نی.
- صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۱). تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی، زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، شماره ۳: ۵-۳۰.

فاتحی دهاقانی، ابوالقاسم و نظری، علی محمد (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان، مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲۵: ۱۳-۵۴.

فاتحی زاده، مریم السادات و همکاران (۱۳۸۴). بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، دوره ششم، شماره ۱: ۱۱۷-۱۳۶.

کرباسی زاده اصفهانی، علی؛ حیدریان، ماریا (۱۳۸۸). مبانی معرفت‌شناسی مدرن، حکمت و فلسفه، سال پنجم، شماره اول: ۹۷-۱۱۲.

محبی، سیدفاطمه (۱۳۸۹). بررسی علل و عوامل مؤثر بر درخواست طلاق. کارفرما: سازمان ملی جوانان.

مساواتی، مجید (۱۳۷۴). آسیب‌شناسی اجتماعی ایران: جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز: انتشارات نوبل.

مشکی و همکاران (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷، افق دانش، شماره ۱: ۳۵-۴۴.

نوابی نژاد، شکوه و همکاران (۱۳۹۶). معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی پدیدارشناسانه، فصلنامه زن و جامعه، سال هشتم، شماره ۳: ۹۳-۱۱۶.

نیکبخت نصرآبادی، علیرضا (۱۳۹۵). تجربه زندگی زنان پس از طلاق: یک مطالعه کیفی، نشریه روان‌پرستاری، دوره چهارم، شماره ۳: ۶۵-۷۴.

هاشمی، مریم (۱۳۹۳). سطح، روند و عوامل مؤثر بر طلاق در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

Abebe, Y, M. (2015). Lived Experiences of Divorced Women in Rural Ethiopia. A Special Focus in Hulet Ejju Enessie Woreda: Addis Zemen Kebele .International Journal of Political Science and Development. Volum 3, Number 6:268-281.

Apostolou, A., Chari, I., Lefkides, T., & Khalil, M. (2016). Parent-Offspring Conflict over Mating: The Case of Divorce. Personality and Individual Differences, Volum 99:286–294.

Conger & Elder (1990) “Linking Economic Hardship to Material Quality in Stability”. Journal of Marriage and the Family:Volum 52, Number 3: 643-656.

Lehrer, E.L.(2014). Age at Marriage and Marital instability. <http://www.Demographic Research.org//2166>.

- Lyngstad, T. H. (2015). The Impact of Parents' and Spouses' Education on Divorce Rates in Norway. *Journal of Demographic Research: Volum 10, Number 5*: 121-142.
- Martin Steven p.& Parashar,Sangeeta(2008):An Education Crossover in Divorce Attitude,Department of Sociology and Maryland Population Research Center ,University of Maryland,Collage Park.
- Rijavec Klobučar, N., & Simonič, B. (2018). Risk Factors for Divorce in Slovenia: A Qualitative Study of Divorced Persons' Experience. *Journal of Family Studies, Volum 24, Number 3*: 291-306.
- Salvini,S. and Vignoli, D.(2015).Things Change: Women's and Men's Marital Disruption Dynamics in Italy During a Time of Social Transformation (1920 -70),*Demographic-Research, Volume24, Number 5*:145-174
- World Health Organization. Preventing Suicide: A Global Imperative,[report] (2003 ,2012 ,2014), Available fromhttp://www.who.int/Mental_Health/Suicide-Prevention/world_/en/.